

عنوان مقاله:

ترکیب برشده گوهر، جان و خرد در بیتی از دیباجه شاهنامه

محل انتشار:

فصلنامه کاوش نامه زبان و ادبیات فارسی، دوره 15، شماره 28 (سال: 1393)

تعداد صفحات اصل مقاله: 24

نویسنده:

حمیدرضا اردستانی رستمی - عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول

خلاصه مقاله:

در دیباجه شاهنامه، این بیت: ز نام و نشان و گمان برتر است / نگارنده برشده گوهر است، نهاده شده که مفسران شاهنامه از «برشده گوهر» در مصراع دوم، تعبیرهایی چون آسمان، انسان، آفریدگار و جان داشته اند. نوشتار پیش رو، با توجه به این که باید اندیشه و باور فردوسی را در دو حوزه ایرانی و اسلامی سنجید، بر آن است که «برشده گوهر» را با در نظر گرفتن دیدگاه اسماعیلیان و همین طور باورهای موجود در فرهنگ باستانی ایران، می توان بیان دیگری از «خرد و جان» پنداشت. در سخنان ناصر خسرو اسماعیلی، عقل و نفس (=خرد و جان) برتر از زمان / آسمان پنداشته شده و از آن دو، به «جوهر عقل و نفس» تعبیر شده که چون نفس از عقل پدیدار گشته، گویا یک گوهر انگاشته شده است. بر این مبنا، مقصود از «برشده» در مصراع فردوسی «خرد و جان» است که در رتبت بر فراز همه آفریدگان قرار دارند و گوهر / جوهر را در مقابل عرض پنداشت و مصراع را این گونه گزارش کرد: خداوند، آفریننده جوهر عقل و نفس (=خرد و جان) است که به ذات خویش قائم اند و «پروردگان دایه قدس اند در قدم». در تعبیری دیگر نیز می توان گوهر را «سنگ» پنداشت که آسمان- بنابر دیدگاه ایرانیان- از آن شکل گرفته؛ پس گوهر مجازا آسمان تواند بود و «برشده» بر اساس سخن اسماعیلیان، کنایه از خرد و جان است که بر فراز یا به سوی آن گوهر / آسمان در پرواز است. با توجه به دیدگاه باستانی نیز «برشده گوهر» را می توان «خرد و جان» خواند. در متون پهلوی آتش از خرد اورمزد شکل گرفته و جان هم زاده آتش است. در مصراعی دیگر از دیباجه، آتش، برشده تابناک خوانده شده است. با توجه به این مصراع می توان «برشده گوهر» را عنصر آتش دانست که زاده خرد است و زاینده جان و آن را تعبیری از خرد و جان پنداشت

کلمات کلیدی:

ترکیب برشده گوهر، جان و خرد در بیتی از دیباجه شاهنامه

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1734423>

